

بِسْمِ اللَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ

لَا يَنْهَا
نَسْفَهُنَّ



مؤسسة فرهنگی تحقیقاتی

به رنگِ صبر

خاطرات خانم فاطمه صدر

به کوششی // فاطمه نقوی



مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی

به زنگِ صبر (تاریخ شفاهی^۶)

خاطرات خانم فاطمه صدر به کوشش: فاطمه نقوی
نمایه‌ساز: سمیه فرجی نمونه‌خوان: زهره فرزانه
ویراستار: شیما فکار
گرافیست: حسین علی پور
صفحه‌آرا: سهیلا کوهنورد
ناظر فنی چاپ: سید محمد فروغی
لیتوگرافی: نوید
چاپ: صبا صحافی: آفتتاب
نوبت چاپ: دوم: ۱۳۹۹ تیرماه ۱۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۷۶-۲۸-۵ بها: ۲۵ ریال

حقوق چاپ و نشر این اثر را مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر محفوظ است.

سرشناسه:	عنوان و نام بدیدآور:
به زنگِ صبر: خاطرات خانم فاطمه صدر به کوشش فاطمه نقوی.	مشخصات نشر:
تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر ۱۳۹۹.	مشخصات ظاهری:
۵۵۲ ص.	فروش:
تاریخ شفاهی ^۶ .	شابک:
۹۷۸-۶۰۰-۵۶۷۶-۲۸-۵	وضعیت فهرست نویسی:
فیبا	عنوان دیگر:
خاطرات خانم فاطمه صدر	یادداشت:
چاپ دوم	موضوع:
صدر فاطمه، ۱۳۲۱	موضوع:
صدر موسی، ۱۳۰۷ - - دوستان و آشنايان -- خاطرات	موضوع:
Sadr, Musa -- Friends and associates -- Diaries	موضوع:
مجتهدان و علماء -- لبنان -- سرگذشت‌نامه	موضوع:
Ulama -- Lebanon -- Biography'	موضوع:
نقوی، فاطمه، ۱۳۶۳ - - مصاحبه‌گر	شناسه افزوده:
BP ۵۵/۲	رده بندی کنگره:
۲۹۷/۹۹۸	رده بندی دیوبی:
۶۱۴۵۷۸۷	شماره کتابخانه ملی:

۹ شهریور ۱۳۵۷ روز ربومن اوست.
سال‌ها می‌گذرد و زندان زمانه گشوده نشده
است و امام موسی صدر و دو پار همراهش
همچنان در اسارت‌اند.
سال‌ها از مصادر آزادی می‌گذرد و
عجیب ترین جنایت تاریخ ادامه دارد.
برما و برهمه آزادگان جهان است که برای
پاسداشت حقیقت و گفت و گو و ادای
حق آزادی و مقاومت و وحدت
برای آزادی امام موسی صدر بی‌وقفه
تلاش کنیم...
برای آزادی امامی که برای دفع خطر از منطقه
در سفری رسمی در لیبی ربوه شد.
در این راه وظیفه صاحبان قدرت و نفوذ از همه
بیشتر است.
دست از پیگیری نمی‌کشیم و به شکستن
زنگیرهای ظلم و اسارت بس امیدواریم.
پیگیری را اینجا واکنون و هرجا و هر زمان تا
آزادی و نجات عزیزانمان
ادامه می‌دهیم.

برای آزادی او
چه کرده‌ایم؟

- فهرست -

۱۱	سخن ناشر
۱۵	پیشگفتار
۲۳	فصل اول: دیدار در تهران؛ خانه پدری
۱۲۹	فصل دوم: دیدار در نجف؛ زندگی مشترک
۲۴۹	فصل سوم: وقایع و رویدادها
۳۵۹	گاهشمار زندگی سید محمدباقر صدر و فاطمه صدر
۳۷۱	تصاویر و اسناد
۴۰۹	پیوست‌ها
۵۴۳	نمایه
۵۵۶	شجره‌نامه

«خبری از نبوت و اثری از موبدی نداشت. این روح
متواضع دوست می‌داشت، همین و بس.»
ویکتور هوگو

دستنویس خانم فاطمه صدر

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشحال و هر سندم که به لطف و یاری

خداوند بزرگ سالمای سنت پیر فراز

و نشیب را با هم بر و شلیانی پیشست سر

لذا شتم و در کنار شنید صدر و در همه مراحل

هر ۱۵ دبورم و بعد از شهادت شش در فراق مر

در ری با صبوری تحلیل کرم ۲۳ سال بی خبری

از عزیز اینم در ایران و بنان را در عراقی

کندراندم امروز به خواست خدا عزیز اینم در حجت مسنه

محترمه امام حسی صدر بعثی از حضرات که قابل

نقل در ایت در اختیارشان لذا شتم فاطمه صدر

سخن ناشر

اهمیت یافتن مقوله «هویت ملی» در معادلات سیاسی و اجتماعی جوامع بشری، موقعیت ویژه‌ای نیز به «تاریخ» بخشیده است. اگر در گذشته، تاریخ فقط روایتی داستان‌وار از وقایع بود، امروز تاریخ با شاخه‌ها و گرایش‌های مختلف و متعددش به اموری فراتر از روایت وقایع می‌پردازد. بررسی ریشه‌ها و وقایع حال جوامع و تبارشناسی ویژگی‌ها و معضلات هر جامعه با نگرشی تاریخی، در کنار سایر علوم و معارف انسانی، از دیگر کارکردهای متأخر تاریخ است. البته، روشن است که برای رسیدن به این اهداف، علم تاریخ نیز از روش‌ها و شیوه‌های جدیدتری برای جمع‌آوری داده‌ها و پردازش آن‌ها بهره برده است. «تاریخ شفاهی» که جمع‌آوری خاطرات و روایت‌های شفاهی وقایع تاریخی است یکی از این روش‌هاست. شاید این روش جدید از جهاتی کهن‌ترین شیوه تاریخ‌نگاری هم تلقی گردد. اما بی‌شك تفاوت اصلی را باید در روش‌شناسی جستوجو کرد. در دهه‌های اخیر مراکز علمی و پژوهشی توجه خاصی به این روش معطوف کرده‌اند.

محتوای تاریخ شفاهی که از طریق مصاحبه فراهم می‌آید، شامل مشاهدات و تجربه‌های تاریخی اشخاص یا نقل قول‌های آنان از دیگر بازیگران صحنه تاریخ است. در تاریخ شفاهی مصاحبه‌گر به راوی کمک می‌کند که در بیان خاطرات خود علاوه بر شرح وقایع تاریخی، احساس و نظر خود را درباره آن موضوعات نیز بیان کند. درحقیقت تاریخ شفاهی محصول تلاش مشترک مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده است و کیفیت داده‌های به دست آمده ارتباط نزدیکی با کارآمدی و تسلط مصاحبه‌گر بر موضوع مورد بحث و قدرت حافظه و البته اهمیت مشاهدات مصاحبه‌شونده دارد.

بديهی است که گذشت زمان مصلحت انگاری راوی را تا اندازهٔ بسیاری کاهش می‌دهد و سبب می‌شود که او با اطمینان خاطر بیشتری به بیان خاطرات خود بپردازد. چه بسا بسیاری از خاطرات، هرچند اندک، که عمری در سینه شاهدی تاریخی باقی مانده تنها اطلاعات موجود دربارهٔ شخص یا حادثه‌ای باشد که دارای اهمیت فراوان نیز هست.

آنچه از این‌گونه تاریخ‌نگاری به دست می‌آید روایتی است مستند که در کنار دیگر اطلاعات، بخشی از معماهای تاریخی را، بهویژه در حوزهٔ تاریخ معاصر، تا حدود بسیاری حل می‌کند.

چنین شیوه‌ای این‌بستر را برای محقق فراهم می‌آورد که حوادث را نه از یک روزنه که آن را به مثابهٔ نوعی تجربهٔ جمعی دریابد و به بازکاوی آن بپردازد. و به این ترتیب بدور از حالت انفعالی این ظرفیت را پیدا کند که در قضاوت تاریخی به استنادات بیشتری دست یافته و در سیر مطالعاتی خود از اعتبار و اعتماد بیشتری برخوردار شود. براساس همین ضرورت بود که مؤسسهٔ فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر طرح تاریخ شفاهی امام موسی صدر را با هدف ثبت و

ضبط خاطرات نزدیکان و دوستان و همکاران و مرتبطان با ایشان در دستور کار قرار داد.

جایگاه ممتاز امام موسی صدر از جهات مختلف بر اهمیت این طرح می‌افزاید. وابستگی به یکی از خاندان مهم شیعه، حضور مؤثر در حوزه علمیه قم و نجف، تحصیل در دانشگاه و ارتباط با مراکز علمی و دانشگاهی، فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی گسترده در ایران، عراق و لبنان، رهبری سیاسی و دینی شیعیان لبنان، ارتباطات وسیع سیاسی و فرهنگی با مجتمع بین‌المللی و دولتها و ملت‌ها و نخبگان سایر کشورها، ایفای نقش به مثابة اندیشمند و متفسر دینی، تعامل گسترده با عالمان ادیان و مذاهب اسلامی و غیراسلامی، تأثیرات عمیق در لبنان و خاورمیانه و غیر اینها همگی شاهدی بر اهمیت جایگاه امام موسی صدر و ضرورت اجرای این طرح است. در این پیوند از اردیبهشت ۱۳۸۹ «گروه تاریخ شفاهی» مؤسسه تشکیل شد و مطالعه دقیق آثار و منابع مکتوب مرتبط را آغاز کرد تا ضمن آشنایی بیشتر با زوایای مختلف زندگی و دیدگاه‌های امام صدر، اولاً سرفصل‌های اصلی طرح را تعیین، ثانیاً پرسش‌ها و ابهامات را مشخص و ثالثاً صاحبان خاطرات و اماكن مرتبط با ایشان را شناسایی کند تا مصاحبه‌ها با هدف‌گذاری و انسجام بیشتری صورت بگیرد.

گام بعدی تماس با افراد و ضبط خاطرات بود که به رغم برخی مشکلات با سرعتی کم، اما امیدبخش آغاز شد. دیدار با دوستان و یاران امام صدر و مرتبطان و مطلعان از فعالیتهای ایشان که صمیمانه همکاران ما را به حضور می‌پذیرند موجب امید و شادمانی بود. هرچند فقدان برخی افراد و ضعف حافظه عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان تأسف عمیق همکاران طرح را بر می‌انگیخت.

همین امر اهمیت ضبط هرچه سریع‌تر خاطرات را مضاعف می‌سازد. درخواست و انتظار ما از همه کسانی که با امام صدر ارتباط داشته و یا از نزدیک شاهد فعالیت‌های مختلف ایشان بوده‌اند این است که دست همکاران ما را در این پروژه بشارند و آنان را میهمان خاطرات شنیدنی هرچند کوتاه خود سازند. لطفاً از طرق زیر با ما تماس حاصل فرمایید و با ارسال عکس یا نامه یا سند یا آثار صوتی و تصویری یا دست‌نوشته بر غنای مرکز استناد مؤسسه بیفزایید. سپاسگزار شما نیز هستیم.

تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۴۱۶۲-۳

پست الکترونیکی: oralhistory@imamsadr.ir

وبگاه: www.imamsadr.ir

نشانی: تهران، میدان هفت تیر، کوچه شریعتی، پلاک ۱۰، واحد ۲

مؤسسهٔ فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر

پیشگفتار

«طِعْتُ عَلَى گَدَرٍ وَأَنْتَ تُرِيدُهَا، صَفَوًا مِنَ الْأَقْدَاءِ وَالْأَكْدَارِ.»^۱
دنیا از درد و رنج ساخته شده و تو می‌خواهی‌اش.

در یکی از روزهای پاییز سال ۱۳۹۵، خانم حورا صدر، مدیر مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر، به نگارنده پیشنهاد کردند که کار تنظیم خاطرات خانم فاطمه صدر، همسر شهید محمدباقر صدر و خواهر امام موسی صدر، را به عهده بگیرد. من که تازه از زیارت نجف برگشته بودم و آنچه هر چه در پی مزار محمدباقر صدر گشته بودم پیدا نشده بودم، بی‌درنگ پذیرفتم. قرار بر این بود که ترجمة کتاب وَجْح الصدر و من وراء الصدر اُم جعفر، به همراه تک مصاحبه‌هایی که گروه تاریخ شفاهی مؤسسه امام موسی صدر، در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۴، با خانم فاطمه صدر ترتیب داده بودند، در کتاب جدیدی تدوین شود.

برای شروع، ترجمة وَجْح الصدر^۲ و مصاحبه‌ها را از خانم حورا صدر گرفتم. همان شب، کتاب وَجْح الصدر را یکسره خواندم. در حین خواندن، به این می‌اندیشیدم که آیا می‌شود چیز بیشتری، به

این کتاب افزود. خواندن مصاحبه‌ها را که شروع کردم، در ظاهر گفت‌وگوهایی ساده بودند و این تلفیق دو کار و انتخاب شکل نوشه را برایم مشکل می‌کرد. بعد از دیدن خانم فاطمه صدر از نزدیک و تجدید دیدارها در نجف و تهران به این نتیجه رسیدم که توصیف شخصیت ایشان و حکایت حالشان در مصاحبه ممکن است و مصاحبه قالب برگزیده‌ام شد برای شکل دادن به کتاب. خانم صدر نیازی نمی‌دیدند تعليقی در روایت سال‌های دور زندگی با سید محمد باقر صدر ایجاد کنند. توافق اصلی من با ایشان بر سر این بود و سعی کردیم هر دو وفادارانه بر سر توافق نانوشتند باقی بمانیم.

کار از دی ماه ۱۳۹۵ آغاز شد و تا مرداد ۱۳۹۸، هشت مصاحبه با خانم صدر داشتم. از آنجا که ایشان همیشه در رفت‌وآمد بین ایران و عراق و لبنان هستند، برای پرهیز از اتلاف زمان، دو نوبت از این مصاحبه‌ها در نجف انجام شد و بقیه در تهران. به علاوه ۲۷ هجده مکالمه تلفنی که تا آبان ۱۳۹۸ ادامه داشت. در مجموع ساعت گفت‌وگو؛ گفت‌وگوهایی که گاه به شکل پرسش و پاسخ است و گاهی حرف‌هایی خودمانی، گپ و گفتی بوده است و تازه کردن دیداری. بخش‌هایی از آن‌ها را الابه‌لای گفت‌وگوهای اصلی آورده‌ام تا تصویری از سیمای صمیمی خانم صدر به دست خواننده بدهم.

روایت‌های بسیاری از زندگی شهید محمد باقر صدر در مجله‌ها و کتاب‌های گوناگون، از زبان دوستان و نزدیکانشان، نقل شده است. گرچه بسیاری از این افراد ادعا می‌کنند که روایتشان از شهید صدر مبتنی بر حقایقی است که از زبان خود خانواده شهید شنیده‌اند، اما به اصرار خانم صدر، چیزی از این روایات در کتاب نقل مستقیم نشده است. چراکه به نظر ایشان، بعضی از این روایات مردود هستند. ایشان، در مصاحبه با نگارنده، در رد این دست روایات مثالی می‌آورند

که کسی گفته بود «که یک خاکی پیش مادر سید بود، روز عاشورا محول می‌شد به خون». و بعد ادامه می‌دهند: «نمی‌خواسته که او [راوی] دروغ بگوید. نمی‌شود تهمت بزنی به مردم. اما بعضی چیزها فرض و خیال است.» یا در جریان گفت‌وگوها، گاهی که نظر ایشان را در باب صحت روایتی جویا می‌شدم، می‌گفتند: «آخر این گفته شده درمورد چند تا بزرگان نویسنده‌گان، خواسته‌اند کپی آن را بکنند. من این چیزها را دوست ندارم.» فاطمه صدر، در طی گفت‌وگوها، همواره بر این نظر بود که «چیزی که به نظر غیرطبیعی می‌آید، آدم نقل نمی‌کند.» و فقط خاطراتی را نقل کرده‌اند که از صحت آن اطمینان کامل داشته‌اند. در این موقع می‌گفتند: «این را می‌توانم بگویم، با کمال صداقت.» بنابراین، بخشی از گفت‌وگوهای کتاب حاضر حول بازخوانی روایاتی است که در کتاب وَجَع الصدر نقل شده، صرفاً از آن رو که آن‌ها را بار دیگر، به فارسی، از زبان خود خانم صدر بشنویم. به خواسته ایشان، از کنار زندگی خصوصی‌شان محتاطانه گذر کردم، چراکه تأکید کرده بودند «چیزهای خیلی خصوصی نمی‌خواهم که شایع بشود در ملا، ریزهای زندگی را دوست ندارم نوشته شود. چون یک چیزهایی خصوصی است، ما هم یک خانواده پوشیده‌ای هستیم. در کتاب نوشته بشود قشنگ نیست.»

در انتقال گفت‌وگوهای شفاهی به متن مکتوب، تلاش نکردم که جمله‌ها را صیقل دهم؛ آنچه مهمن بود وفاداری به کلام فاطمه صدر بود، نه نوشتمن جملاتی شسته‌ورفته و مرتب که از واقعیت به دور باشند. چنانچه نظر خود ایشان هم بر این بود که «به قول عرب‌ها، نصّش بهتر خاطر آدم را جمع می‌کند.» و تأکید داشتند که «من می‌خواهم چیزی که نوشته می‌شود درباره ایشان [سید محمدباقر صدر] ناب باشد، اصلی باشد، مبالغه نباشد.» بنابراین، جملات به

همان ترتیبی که خانم صدر نقل کردند، در متن پیاده شده‌اند. صرفاً در مرحلهٔ ویرایش، به زبان نوشتار نزدیک شدند و از نشانه‌های سجاوندی برای روان‌تر کردن و فهم بهتر شروع و پایان و وقفهٔ بین جملات، بهره برده‌شد.

طبيعي است که ساختار زبانی گفت‌وگوهای شفاهی با متون کتبی متفاوت است. در این کتاب هم، مواردی بود که هنگام تبدیل گفتارهای خانم صدر به زبان نوشتاری، ساختار جملات به نحوی بود که برای خواننده ابهام ایجاد می‌کرد. اما برای وفادار ماندن به اصل کلام خانم صدر، جملات ایشان را تغییر نداده و فقط، برای پرهیز از ابهام، ویراستاز کلماتی را در قلاب به متن اصلی اضافه کرده است. پر واضح است که آنچه میان زبان نوشتار و گفتار فاصله می‌اندازد، لحن و حالتی است که گوینده در حین صحبت‌ها به خود می‌گیرد و از طریق آن، خواننده را با فضای شخصی خود، در هنگام بیان آن جملات، بیشتر همراه می‌کند. برای پر کردن این فاصله، هرجا که لازم دیدم، پرانژهایی جلوی جملات آورده‌ام که بیان‌گر حالت خانم صدر در لحظهٔ بیان آن جملات هستند.

از حوادث و وقایعی که در این گفت‌وگوها بی‌گرفته شده مستندات بسیاری بهجا مانده که، بخشی از آن‌ها را در پایان کتاب، به پیوست آورده‌ام. در انتهای جملات مرتبط با این استناد، اعدادی داخل قلاب آمده‌اند که اشاره به شمارهٔ پیوست‌های پایانی دارند و خواننده می‌تواند با رجوع به آن‌ها، سند مربوطه را مطالعه نماید. در جایی که سند به شکل صدای ضبط شده است صوت را برای دسترسی در سایت www.imamsadr.ir قرار داده‌ایم.

طبيعي است که در مصاحبه شفاهی ممکن است روند خطی و زمانی گفت‌وگوها بهم بربزد و از دوره‌های زمانی مختلفی صحبت

به میان آید. از آنجا که این پراکندگی گفت و گوها، درک خواننده از سیر وقایع و حوادث را به تأخیر می‌اندازد، تدوین نهایی کتاب بر مبنای سیر تطور تاریخی است و صحبت‌هایی که نزدیکی تاریخی بیشتری با هم داشتند، در متن کتاب جایه‌جا و کنار هم آورده شده‌اند. بنابراین، سیر زمانی گفت و گوها در کتاب حاضر، تفاوتی با مصاحبه‌های شفاهی دارد.

خانم صدر در اشارتشان به وقایع تاریخی، از تاریخ میلادی استفاده کرده‌اند، چون در آن دوره، گاهشماری میلادی در عراق رایج بوده است. علت این امر آن است که، پس از جنگ جهانی اول و تجزیه قلمرو عثمانی به کشورهای متعدد، با توجه به عدم تطبیق گاهشماری هجری قمری با طول سال شمسی و جایه‌جایی فصول در گاهشماری هجری قمری، عملاً گاهشماری میلادی گاهشماری رسمی بسیاری از کشورهای عربی شد. گرچه بعدها، هر کدام از این کشورها به طراحی گاهشماری ملی برای خود اقدام کردند، همچنان در بسیاری از آن‌ها، گاهشماری رایج گاهشماری میلادی است. بنابراین، در کتاب حاضر، هرچاکنم صدر اشاره‌ای به تاریخ میلادی کرده‌اند، معادل قمری و شمسی آن در قلاب آمده و اگر ماه قمری یا شمسی معلوم بوده، از تکرار کلمات «قمری / شمسی» خودداری شده است. چون روشن است که مثلاً هفتم رجب ۱۳۶۵ اشاره به تاریخ «قمری» دارد و هفتم آبان ۱۳۶۵ اشاره به تاریخ «شمسی». نیز، به علت مشخص نبودن تاریخ دقیق وفات و تولد افراد و عدم امکان تطبیق دقیق تاریخ قمری با شمسی، تاریخ تولد و وفات اشخاص عرب‌تبار به تاریخ قمری، و اشخاص ایرانی تبار به شمسی آورده شده است. برای تفکیک این دو از هم، چنانچه تاریخ تولد و وفات‌ها به قمری بوده، جلوی آن کلمه «قمری» درج شده است.

در فصل آخر کتاب که نوبت به یادآوری تلخترین خاطرات خانم صدر رسیده بود، خواهید دید که سکوت‌ها بیشتر و جواب‌ها کوتاه‌ترند. چون مواقعي بود که خانم صدر از یادآوري خاطراتشان چنان منقلب می‌شدند که سکوت می‌کردند. می‌گفتند: «آخر فربانت، بروم، ما اين قدر مصيبة‌هايمان بزرگ است که ديگر گفتنی نیست، بگذار در دل خودم باشد.» بنابراین، در پرسش‌های اين فصل، بيشتر به شاهد آوردن از اسناد و افراد ديگر روی آوردم تا، در بررسی رويدادهای مهم زندگی ايشان، نكته‌ای جا نماند.

خانم صدر اين روزها ديگر حال قيل و قال ندارند و سعى می‌کنند فکر نکنند و بيشتر وقت‌شان را به خواندن قرآن و دعا و شعر و كتاب‌های داستان می‌گذرانند. علاقه وافرšان به ويکتور هوگو براي من انگيزه‌اي شد تا، همزمان با اين گفت و شنودها، كتاب بینوایان را با تأمل بخوانم. در حين مطالعه، جمله به جمله آن كتاب حال و هواي خانم صدر را در من زنده می‌کرد و همین امر مرا بر آن داشت که، به فراخور حال و هواي گفت‌وگوهای اين كتاب، جملاتی از بینوایان را با ترجمه حسینقلی مستغان در كتاب حاضر بياورم. نكته‌ی ديگر اينکه معاني تمام آيات قرآن از ترجمه عبدالمحمد آيتی برداشته شده است.

در آخر، شایان ذکر است که خاندان صدر خاندان بزرگی است، با افرادی با نام‌های مشابه. اين موضوع ممکن است بعضًا خواننده نا آشنا را به اشتباه بیندازد. برای فهم بهتر روابط و نسبت‌های خانوادگی خاندان صدر، پيشنهاد می‌کنم پيش از مطالعة ادامه كتاب به گاهشمار زندگی و شجرة خانوادگی خاندان صدر که در انتهای آمده نگاهی بیندازید.

همه تلاشم اين بوده که بی‌غرض و به دور از هرگونه جانب‌داری،

به زندگی زنی پیردازم که به باور همه اقوام و دوستانش یک آدم خارق العاده است در صبوری و تحمل. دوست داشتم این کتاب، کتاب کاملی باشد از گفت و گوی میان من و خانم صدر.

مخاطب را محرم دانستم و آنچه برای خودم شنیدنی بود در کتاب آوردم. از میانه برخاستم و سعی کردم تنها چیزی که به جدّ از کتاب حذف می‌کنم خودم باشم. خانم صدر هر بار با روی خوش از من استقبال کردند؛ چه وقتی که سرحال بودند و چه زمان سرماخوردگی شدید یا وقتی دندانشان را کشیده بودند و سخت بود برایشان حرف زدن. یادم نمی‌رود در یکی از جلسه‌ها از شدت سرماخوردگی و بی‌حالی توی مبلشان فرو رفته بودند و با صبر یک یک سؤال‌ها را جواب می‌دادند. کتاب، مثل خود خانم صدر، ادعایی ندارد. شرح زندگی یک زن است تا جای که به یاد آورده و منهای جاهایی که سعی کرده فراموش کند.

از همه کسانی که در مراحل شکل‌گیری این کتاب همراهی ام کردند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. پیش از همه، از خانم فاطمه صدر و نیز، از حورا صدر که همیشه، در منتهای مهربانی و صبوری، گرهای کار را باز می‌کرد.

بسیار ممنونم از شیما فکار، ویراستار کتاب، که کوشید سر و شکل منسجم‌تری به کتاب بدهد.

از عادل پیغامی که مشتاقانه پیش‌نویس کتاب را خواند و راهنمایی ام کرد. از حمید قزوینی، زهرا ادیب، سمانه مبصر، زهرا شمس، طبیه ولی‌بغدادی، سهیلا کوهنورد، سمیه فرجی و همکاران مؤسسهٔ امام موسی صدر. از حسین مرکبی که کار ترجمهٔ وَجْع الصدر را به عهده داشت و در درک مضامین برخی از نامه‌های عربی کمک کرد. از اسماء خواجهزاده که ترجمهٔ بسیاری از اسناد به عهدهٔ او بود.

و از پژوهشکده شهید صدر که ترجمه بخش دیگری از اسناد را در اختیارمان قرار دادند و همچنین صوت‌هایی که ضمیمه کتاب کردیم، از رضا ابوالحسنی که برای درک فضای نجف دهه هفتاد میلادی بسیار باری ام کرد. از حبیبه جعفریان و علی بهپژوه برای راهنمایی‌های بی‌دربغشان.

همین طور سپاس فراوان از فاطمه صدرعاملی که از ابتدای راه، همواره حامی و پشتیبانم بود و از هیچ کمکی دریغ نکرد. و تشکر صمیمانه از همراهی احسان شریعتی. فراموش نمی‌کنم حمایت خانواده و خواهرم را که پیوسته مشوقم بوده‌اند.

فاطمه نقوی

۱۳۹۹

پی‌نوشت

۱. شعری از علی بن محمد تهامی، مشهور به ابوالحسن تهامی، شاعر عرب قرن پنجم، که همیشه سر زبان خانم صدر است.
۲. کتاب وَجْع الصدر سرگذشت‌نامه‌ای از زندگی محمدباقر صدر و فاطمه صدر، به قلم خانم امل البخشی، است که در قم به زبان عربی چاپ شده و در مؤسسه امام موسی صدر به فارسی ترجمه، اما تا لحظه نگارش این پیشگفتار، منتشر نشده است.